

روپایی هادر هراس از آمریکا

ادامه از صفحه اول

این نگرانی در شرق و شمال اروپا از همه جا شدیدتر است اما ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان در آلمان، ۵۰ درصد در فرانسه و ۴۹ درصد در بریتانیا نیز روسیه را بزرگ‌ترین تهدید امنیت ملی کشور خود می‌دانند.

این بیداری چشم‌انداز اروپایی‌ها در رابطه با آمریکا را هم عمیقاً تغییر داده است: «این احساس نامنی با این واقعیت تشدید می‌شود که بسیاری از اروپایی‌ها اکنون دریافته‌اند دیگر نمی‌توانند به ایالات متحده تکیه کنند. بر اساس نظرسنجی YouGov که ماه مه به سفارش «شورای روابط خارجی اروپا» انجام شد، تنها ۱۱ درصد اروپایی‌ها در ۱۵ کشور مورد بررسی، ایالات متحده را متحد خود می‌دانستند؛ رقمی که نسبت به ۱۶ درصد ۶ ماه پیش و ۲۲ درصد نوامبر ۲۰۲۴ به‌شدت کاهش یافته‌است.» اروپایی‌ها حتی در رابطه با خرج کرد نظامی هم دچار انقلاب شدند: «بسیاری از اروپایی‌ها اکنون از تقویت توان نظامی حمایت می‌کنند. اکثریت مردم در دانمارک، استونی، فرانسه، آلمان، لهستان، پرتغال و بریتانیا موافق افزایش هزینه‌های دفاع ملی هستند. ایتالیا تنها کشوری است که در آن اکثریتی روشن همچنان با این امر مخالفت می‌کند. نکته قابل توجه آن است که در میان ۱۵ کشور مورد بررسی، اکنون ۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان از استقرارض جمعی اتحادیه اروپایی برای تأمین مالی اکثریت دفاعی حمایت می‌کنند. این حمایت در پرتغال ۵۹ درصد، دانمارک ۵۶ درصد و در هلند ۵۵ درصد است. تا همین اواخر، چنین ایدهای از نظر سیاسی غیرقابل تصور بود.»

آش به اندازه‌ای ششور شده که اکثریت اروپایی‌ها حتی از خدمت اجباری سربازی هم دفاع می‌کنند: «اکثریت مردم فرانسه، لهستان و لهستان اکنون از احیای خدمت اجباری نظامی حمایت می‌کنند؛ امری که در کشورهایمانند دانمارک، استونی و سوئیس از پیش برقرار است. لهستان و آلمان به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ سربازی اجباری را پایان دادند، در حالی که فرانسه اواخر دهه ۱۹۹۰ خدمت اجباری نظامی را به‌تدریج کنار گذاشت طی ۳۰ سال گذشته، حمایت از سربازی اجباری در بسیاری از کشورهای اروپا به موضعی اقلیت تبدیل شده بود. امروز، این حمایت هرچه بیشتر به جریان اصلی بدل می‌شود.» طبیعتاً این وضعیت خود را در هزینه‌کرد نظامی، اروپا هم به‌روشنی نشان می‌دهد: «هزینه‌های دفاعی اروپا به سرعت در حال افزایش است. در سال ۲۰۲۴، ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپایی ۴۰۲ میلیارد دلار برای دفاع هزینه کردند؛ رقمی که بسیار فراتر از هزینه‌های نظامی ۱۶۰ میلیارد دلاری روسیه بود. آلمان نقش پیشیناز را بر عهده گرفته و براین‌اکنون یک‌چهارم کل هزینه‌های دفاعی اتحادیه را به خود اختصاص داده است؛ جایگاهی که آن را به چهارمین کشور دنیا از نظر هزینه‌های نظامی تبدیل کرده است. این کشور در مسیر آن است که تا سال ۲۰۲۹، ۵۱میلیارد ۱۷۲ میلیارد دلار یا ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی خود، برای دفاع هزینه کند؛ افزایشی نزدیک به ۲۰۰ درصد نسبت به سال ۲۰۲۲. در بیشتر کشورهای اروپا از این افزایش به عنوان اقدامی ضروری برای بازدارندگی در برابر مسکو استقبال شده است.» اروپا برای کسب تأسنتی از وابستگی نظامی خود به آمریکا هم سخت در تلاش است: «روپا برای کاهش وابستگی خود به تجهیزات آمریکایی، ظرفیت نظامی - صنعتی‌اش را نیز افزایش می‌دهد. در برلین، شرکت‌های نوپایی مانند Helsing Defense و Stark برای قراردادهای پهنادی چندمیلیارد یورویی رقابت می‌کنند. در همین حال، Quantum Frontiers (یک سرمایه‌گذاری دفاعی مشترک آلمانی - اوترکوانی) اوایل امسال تولید پهپاد در مقیاس صنعتی را نزدیک مونیخ آغاز کرد. هرچند برلین هنوز در آغاز مسیر تلاش‌های خود برای توسعه توانمندی‌های خودمختار است اما می‌تواند بر دهه‌ها تجربه در تولید تجهیزات سنگین تکیه کند. Rheinmetall، بزرگ‌ترین پیمانکار دفاعی آلمان، با شرکت دفاعی ایتالیایی Leonardo برای تولید بیش از ۱۰۰۰ خودروی زمی پیاده‌نظام جدید - و ۳۵۰ تانک میدان نبرد Panther KF51 برای ارتش ایتالیا همکاری می‌کند.»

دیدگاه

دلگتک توسعه

ادامه از صفحه اول

برای سنخش پوچی معیاری که وی ارائه می‌دهد، کافی است چند نمونه تاریخی را به یاد آوریم. بره انگلیس در جنگ دوم جهانی با ژوزف استالین نشسته‌اند و درباره نژاد پس از جنگ مذاکره کرده‌اند؛ استالینی که نه لیبرال بود، نه دموکرات، نه مدافع جامعه‌مدنی، اما هیچ‌کس نمی‌گوید چون ژولزت و چرچیل با استالین مذاکره کردند، پس سطح فکر و آمریکا و بریتانیا پایین بود.

نیکسون نیز سال ۱۹۷۲ به چین رفت و با ماو دیدار کرد؛ با رهبر همان چین کمونیست که تا پیش از آن دشمن ایدئولوژیک آمریکا بود اما آن دیدار را نه نشانه عقیم‌اندگی این‌دولت‌نشدند، نه نشانه کمونیست شدن واشنگتن، بلکه نقطه عطفی در موازنه‌سازی علیه شوروی و بازتعریف روابط جهانی بود. در همین منطق، آلمان غربی با شوروی و آلمان شرقی وارد سیاست تنش‌زدایی شد، فرانسه پس از جنگ الجزایر با جبهه آزادی‌بخش ملی مذاکره کرد، بریتانیا در روند صلح ایرلند شمالی با واقعیت نیروهای مسلح سیاسی روبه‌رو شد و خود آمریکا در سال ۲۰۲۰ با طالبان توافق امضا کرد. اگر معیار «طرف معاشرت» باشد، باید نیمی از تاریخ دیپلماتسی غرب را به کلاس جبرانی توسعه فرستاد! این موارد البته به این معنا نیست که هر رابطه‌ای قابل دفاع است؛ ممکن است رابطه‌ای بهره‌زن، ایدئولوژیک، بی‌بازده، فرساینده یا حتی ضدتوسعه باشد. ممکن است رابطه با برخی بازیگران برای برخی کشورها هزینه امنیتی و سیاسی تولید کند اما در هر صورت نقد چنین رابطه‌ای باید از مبسوط‌ترین منافع فایده‌منافع ملی، امنیت، اقتصاد، مشروعیت و جایگاه بین‌المللی عبور کند، نه مقایسه‌های کار توتی. ذهن مرعوب سریع‌العقل مبتلا به همان بیماری خودباختگی روشنفکران عصر مشروطه است با این تفاوت که نسخه روزمرسانی‌شدنش، نه به جای پاریس و لندن، حالا نام تسلا و مایکروسافت را زمزمه می‌کند.

اینکه روابطمان را چگونه تحلیل می‌کنیم، نشان‌دهنده سطح فکر ماست، نه اینکه با چه کسانی عکس یادگاری می‌گیریم. سیاست را عکس روی جلد مجله اداره نمی‌کند. توسعه، میهنی‌اش شام نیست، حسابداری سخت‌قدرت، نهاد و منفعت است.

گزارش «وطن امروز» درباره ابعاد مدیریت ایران بر تنگه هرمز و اهمیت آن برای افزایش قدرت ملی

هم بازدارندگی، هم درآمدزایی



تاریخ ایران، کشورمان بر تردد از تنگه هرمز نظارت کند. کما اینکه در متن تفاهنامه این نکته مهم نیز تأیید و تثبیت شده که صرفاً کشتی‌های تجاری حق تردد از تنگه هرمز را دارند و تشخیص تجاری بودن این کشتی‌ها بر عهده ایران است. بنابراین برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، جمهوری اسلامی توانست این حق را تثبیت کند که عبور و مرور از آبراه استراتژیک تنگه هرمز، با نظر و مدیریت ایران انجام شود، لذا تثبیت حق مدیریت ایران بر تردد از تنگه هرمز، زمینه‌ساز به آمریکا از تنگه هرمز است.

سومین اقدام مهم ایران در راستای اخذ هزینه از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز، ایده توافقی با عمان به عنوان دیگر کشور دارای مسیر عبوری از تنگه است. در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، عمان دارای بهترین روابط با ایران است. به همین خاطر زمینه هماهنگی و توافق میان طرفین کاملاً مهیاست. از سوی دیگر، عمان به رسمیت شناخته شدن حق مدیریت ایران بر هرمز را نه به عنوان یک تهدید، بلکه به عنوان یک فرصت مهم قلمداد کرده است، زیرا با توجه به سیاست اسبق برای اخذ هزینه از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز، مسرتن نیز می‌تواند برای نخستین‌بار از مواهب اقتصادی مالکیت بر بخشی از این تنگه بهره ببرد. در واقع سلطنت عمان، از یک سو به واسطه مناسبات مطلوب با جمهوری اسلامی ایران، و مدیریت ایران بر تنگه هرمز احساس نگرانی و تهدید نمی‌کند و از سوی دیگر، تلاش ایران برای تثبیت این حق را به منزله ایجاد یک فرصت برای کسب درآمد از تنگه هرمز قلمداد می‌کند. از همین رو، همراهی عمان با ایران برای تدوین ترتیبات اجرایی مدیریت بر تردد از تنگه هرمز، در دسترس است. کما اینکه بر اساس توافق طرفین در مذاکرات روز یکشنبه، این هماهنگی و همراهی آشکار شده است. جمهوری اسلامی ایران پیش از امضای تفاهنامه خاتمه جنگ با آمریکا، درباره همین موضوع، مذاکراتی با طرف عمانی انجام داد و اینک پس از امضای تفاهنامه، در حال پیگیری توافقی مربوط میان ۲ کشور است. ایران از طریق توافق با عمان، از یک سو، حق مالکیت این کشور بر یک مسیر تردد بر تنگه هرمز را به رسمیت شناخت و از سوی دیگر، با انجام این هماهنگی و توافق احتمالی، زمینه و امکان دخالت و اعمال فشار آمریکا بر عمان برای اخلال در مدیریت ایران بر تنگه هرمز را از بین برد. از همه مهم‌تر این پیام را به جامعه جهانی رساند که جمهوری اسلامی ایران یک بازیگر عاقل است. جمهوری اسلامی ایران اگرچه تسلط بر تنگه هرمز و مدیریت این تنگه استراتژیک را در جنگ به دست آورد و بابت آن هزینه‌های سنگینی را متحمل شد اما اکنون در عمل نشان داده مدیریت بر این آبراه استراتژیک را بر اساس قوانین و مقررات بین‌المللی و به رسمیت شناختن حقوق سایر کشورهای اعمال می‌کند. این رفتار ایران هم باعث اطمینان بخشی به دنیا برای تأمین ثبات تردد از تنگه هرمز می‌شود و هم از اهرم بازدارندگی مدیریت تنگه هرمز حراست می‌کند.

■ آمریکا بیرون!

مشاور سابق امنیت ملی آمریکا روز یکشنبه در مصاحبه‌ای، با اشاره به متن تفاهنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا، تصریح کرد ایران پس از دوره زمانی ۶۰ روزه می‌تواند با استناد به متن این تفاهنامه، اقدام به اخذ هزینه از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز کند.
چیک سالیوان در ادامه به نکته مهمی اشاره و تصریح کرد دولت ترامپ نشان نده تلاش می‌کند این دستاورد مهم ایران را مسکوت نگه داشته یا یک سیاست ابهام را در قبال آن پیگیری کند.
غیر از سالیوان، چهره‌های مهم دیگری نیز در آمریکا هستند که درباره این دستاورد مهم ایران اظهار نظر کرده‌اند. اگر چه به واسطه وجود بی‌اعتمادی شدید نسبت به سیاست و اقدام آمریکا بوزنه دولت فعلی آمریکا، خاصه شخص ترامپ و با وجود به رسمیت شناخته شدن این حق ایران در تفاهنامه خاتمه جنگ، هنوز نمی‌توان با قطعیت گفت این دستاورد مهم در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی کلمات تثبیت شده اما واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد هم ایران توان لازم را برای اعمال مدیریت بر تنگه هرمز دارد و هم طرف مقابل، گزینه دیگری برای سلب مدیریت ایران یا اخلال در آن ندارد. در صورت حصول توافق نهایی میان ایران و عمان، عملاً بر اساس قوانین بین‌المللی، مدیریت تنگه هرمز قانونی شده و این مدیریت بر اساس توافق قانونی ایران و عمان اعمال می‌شود، لذا هر گونه اقدام احتمالی دولت ترامپ برای اخلال در این توافق و مدیریت تنگه هرمز، به منزله ایجاد بی‌ثباتی در تردد از آبراه مهم و استراتژیک هرمز محسوب می‌شود و دولت آمریکا به عنوان تهدید کننده امنیت تردد از تنگه هرمز و عامل تهدید اقتصاد جهانی و مسؤول تضعیف تنوع بی‌ثباتی در تردد از این تنگه شناخته می‌شود.
ترامپ تاکنون نشان داده تلاش می‌کند با دستکاری تردد معمول و طبیعی از تنگه هرمز و انحراف ترافیک این تنگه به سمت مسیر عمان، مدیریت ایران در این تنگه را مختل و تضعیف کند. شرارت آمریکایی‌ها سیاستمداران قاطعانه در برابر این بیظننت و شرارت آمریکایی‌ها سیاستمداران کشتی‌های متخلف را تهدید کرده است. زد و خورد هفته گذشته میان آمریکا و ایران نیز در عمل حاصلی برای آمریکا و به همراه نداشتن و تنها نتیجه آن، تاوأم نامنی در تنگه هرمز و تأثیر آن بر قیمت نفت بود.
از سوی دیگر، در صورت توافق ایران و عمان و با توجه به امکانات ایران برای اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، پیش‌بینی می‌شود بر خلاف خواست آمریکا جریان ترافیک تنگه هرمز طبیعی شده و مسیر ایران به عنوان مسیر

از آن است. یعنی تهدیدی مطرح می‌کردند که خودشان بهتر از دیگران می‌دانستند این تهدید هرگز اجرایی نخواهد شد البته اعتراف ناخواسته هیلاری کلینتون، یک نکته قابل تأمل نیز درباره تحولات داخلی ایران دارد. در ایران، حسن روحانی و تعدادی از مقامات دولت او، بارها در توجیه و دولت او به خاطر مفاد خسارت محض برجام مورد انتقاد و مؤاخذه قرار می‌گرفتند، یکی از توجیهات‌شان این بود که تهدید حمله نظامی آمریکا علیه ایران کاملاً جدی بود و یکی از اهداف آنها از امضای برجام، دور کردن سایه جنگ از ایران بود.
محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه روحانی نیز بارها مدعی شد برجام یک توافقنامه امنیتی بود و نه یک توافقنامه اقتصادی. در واقع، در واکنش به حجیم انتقادات داخلی، هدف ظریف از بیان این ادعا، این بود که کارکرد اصلی برجام، گشایش‌های اقتصادی نبوده، بلکه ملاحظات امنیتی بود. این ادعاها در حالی مطرح شد که اکنون هیلاری کلینتون در انتقاد از حمله آمریکا به ایران و مذمت ترامپ به خاطر ارتکاب این اشتباه، اعتراف کرده آنها به این دلیل از حمله نظامی به ایران امتناع کردند که جمع‌بندی‌شان نشان می‌داد تبعات این جنگ برای آمریکا غیر قابل هضم است.
غیر از کلینتون، کری و بلینکن نیز تصریح کردند بارها در دولت‌های جورج بوش سپر، اواما و بایدن، طرح حمله به ایران از سوی نتانیاهو به واشنگتن آورده شد اما بوش، اواما و بایدن فریب نتانیاهو را نخوردند. در واقع آنها ناخواسته اعتراف کردند دولت‌های پیش از ترامپ، به ایران حمله نکردند، چون جنگ علیه ایران را به مسود اعلام نمی‌دانستند. بنابراین در لابه‌لای انتقادات آمریکایی‌ها از ترامپ، این اعتراف مهم نهفته است که دست کم در ۲۵ سال گذشته، اگر چه گزینه اقدام نظامی علیه همواره روی میز روسای جمهور آمریکا قرار داشته اما آنها به خاطر بی‌فایده بودن اقدام نظامی، از حمله به ایران صرف نظر کرده‌اند. نکته مهم دیگر این است که برخلاف ادعای غربگرایان داخلی که برجام را عامل دور شدن سایه جنگ از ایران قلمداد می‌کنند، اعترافات مقامات سابق و اسبق ایران فاش می‌کند جایگزین توافق با آمریکا، اقدام نظامی نبوده است.

■ سند بیوزری ایران

اسرآن حلالا یک برگ برنده طلاسی در اختیار دارد. ایران حالا بازیگری است که می‌تواند تنها در چند ساعت، بازار نفت را بی‌ثبات کند، قیمت نفت را تقریباً ۲ برابر کند، هزینه‌های زندگی را بخصوص در آمریکا افزایش دهد، اقتصاد جهانی را در معرض رکود و فروپاشی قرار دهد و یک بحران بزرگ بین‌المللی به وجود آورد. همه اینها و موارد دیگر، یعنی جمهوری اسلامی ایران در خلال ۴۰ روز جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه خود، توانسته فرصت‌آفرینی کند و یک اهرم بازدارنده موثر را در اختیار بگیرد. اگر روزگاری سران آمریکا بر این باور بودند که می‌توانند بپراحتی خاک ایران را مورد تجاوز قرار دهند و به خاطر بعد جغرافیایی، خاک خود را از تبعات این جنگ مصون بدارند، حالا ایران با کنترل تنگه هرمز، به همه دنیا ثابت کرده‌نه تنها آمریکا، بلکه اکثر کشورهای دنیا از جنگ علیه ایران به‌شدت متضرر خواهند شد. اگر زمانی سران آمریکا و اروپا تصور می‌کردند با اعمال تحریم‌های ظالمانه و ضدبشری می‌توانند توافقی نامتوازن به ایران تحمیل کرده، برنامه هسته‌ای ایران را به عقب رانده و بازدارندگی ایران را به‌شدت تضعیف کنند، حالا مدیریت جمهوری اسلامی ایران بسه یک اهرم بازدارنده به مراتب مهم‌تر و موثرتر و به مراتب قدرتمندتر از برنامه هسته‌ای دست یافته‌اند. جمهوری اسلامی همه مردم ایران برای به دست آوردن این سرمایه بزرگ، هزینه‌های سنگینی متحمل شدند. از تخریب اماکن نظامی و زیرساخت‌های اقتصادی گرفته تا شهادت چند هزار انسان بی‌گناه، تا برپر شدن کودکان میثاب و در رأس آنها شهادت رهبر و مقتدای ایران، هزینه‌ای بوده که مردم در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه داده‌اند. در کنار دستاوردهای مهم دیگر، دستیابی به تنگه هرمز، دستاوردی است که ایرانیان آن را هدیه و ماحصل ارزشمند مقاومت جانانه خود در برابر حمله دشمن تجاوز قلمداد می‌کنند. تنگه هرمز قرارها در جوار ایران و بخشی از وجود ایران بود اما حالا به بخش مهمی از اعمال حاکمیت کشور تبدیل شده است. این آرزویی بود که پیشینیان ما از قرن‌ها قبل آرزوی تحقق آن را داشتند. فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی ایران سال‌ها در حال تدارک بودند تا در صورت ارتکاب حماقت حمله به ایران، این آبراه استراتژیک را به بخشی از جغرافیای قدرت ایران تبدیل کنند. ترامپ در همان روزهای نخست جنگ، مدعی شده بود پس از اتمام جنگ، نقشه ایران تغییر خواهد کرد. نقشه ایران که تغییر نکرد هیچ، جغرافیای اعمال حاکمیت ایران هم یک تغییر اساسی کرد و حالا تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین مناطق ایران تبدیل شده است. گویی این در جنوب خود، قدرتی بزرگ نهفته داشت و زمانی که دشمن جانش را کرده بود، این قدرت بی‌بدیل را از دل تاریخ بیرون آورد و در اختیار فرزندانش قرار داد. فداکاری رهبر شهید انقلاب اسلامی، رشادت فرماندهان و مقاومت ملت قطعا در پیروزی و سربلندی ایران نقش کلیدی را ایفا کرد اما کلید پیروزی، جغرافیای ایران بود، خود ایران.